

موتزارت؛ سمفونی شماره ۴۰ و ویلن کنسرتوی شماره ۳

محمد رضا یکرنگ صفاکار ۱۳۹۷/۱۲/۰۳

سمفونی شماره ۴۰ در سل مینور

سمفونی شماره ۴۰ در سل مینور، کا ۵۵۰ شگفت انگیز است که موتزارت سه سمفونی استادانه‌ی واپسین از چهل و یک سمفونی خود را در شش هفته (به سال ۱۷۸۸) تصنیف کرد. ازین میان، سمفونی چهل به لحاظ سرشت سودایی‌اش گشایشی از یک سمفونی کلاسیک به سمفونی‌های رمانتیک قلمداد شده است. این اثر، چهار موومان متداول سمفونی کلاسیک با ضرباهنگ به ترتیب تند، کند، تند، تند دارد. موومان اول با تمپوی "خیلی تند و جاندار" و فرم سونات، با تمی آغاز می‌شود که اینک برای ما بسیار آشناست: تمی با سرایش خاطره‌اندود و تمناآمیز ویلن‌ها بر پس‌زمینه‌ی آکوردهای شکسته‌ی تپنده و بی‌قرار ویولاها. تم دوم که در تضاد با تم اول، سرشتی آرام و تغزلی دارد در تنالیت‌های غیر تونیک سی‌بمل مازور است، پس از پلی برگرفته از تم اول شنیده می‌شود و خود راه می‌برد به کودای فرعی پایان «اکسپوزیشن» (ارایه‌ی تم‌ها) که به مانند پل، بسطی از تم اول با دگرگونی‌هایی شورمندانه‌تر است. «دولوپمنت» یا بسط و گسترش اصلی تم‌ها اما، پس از تکرار اکسپوزیشن است. که مبتنی‌ست بر مدولیشن تم اول با شکستن پر فراز و نشیب و گوناگون جملات تم به موتیف‌هایش در حالاتی دراماتیک و شورمندانه تر از پیش. این موومان با بازگشت تم‌ها و سپس کودایی برگرفته از تم اصلی (اول) در تونیک به پایان می‌رسد؛ ری اکسپوزیشن یا بازگشتی با تداوم بسط‌های پرشور و دراماتیک.

موومان دوم که بنا به عرف سمفونی کلاسیک در تنالیت‌های غیر تونیک می‌بمل مازور است و «آنداته» ای است با سرشتی آرام و لیریک، فرم سوناتی آمیخته با فرم «تم و واریاسیون» دارد با واریاسیون‌هایی از دو تم تغزلی با همراهی مدام و بی‌وقفه‌ی فیگوری موج و پرفراز و نشیب با تناوبی از تبادل نقش غالب بادی‌های چوبی، زهی‌ها و هورن‌ها که در مجموع به این موومان بیانی بس زیبا می‌بخشد از تمنا و اشتیاق روحی سرشار، به بال‌گشودنی پیوسته به دنیا‌های بیرون و درون.

موومان سوم «منوئه» ای با تمپوی «الگرتو» است که اما لحن و حالت جدی، مؤکد و اندیشناک‌اش - همسویه با سرشت سودایی و رومانیک دو موومان قبلی - آن را از حالت رقص گونه‌ی این رقص روستایی فرانسوی دوره‌ی باروک و کلاسیک دور می‌کند. هرچند، چنانکه در سمفونی کلاسیک متداول است، منوئه ای است سه‌بخشی با بخش‌های زیر مجموعه‌ی هر بخش؛ با بخش میانی یا «تریوی» ای مازور که سرشت طنز و شبانی دلپذیرش، مسالمتی‌ست گرچه موقتی با رقص‌گونه‌ی منوئه.

موومان چهارم و پایانی سمفونی با نشانه‌ی «به کفایت تند و جاندار» سرشار از تضاد و تقارونی ساختاری و شور و هیجان اضطراب‌آلودی موتزارتی است. این موومان فرم سوناتی دارد با تم اصلی پُر تبوتاب در تضاد با تم دوم تغزلی که در سراسر موومان و به‌ویژه در بخش دولوپمنت، بسطی پرتنش و دراماتیک می‌یابد تا با کودایی پرشور و تنش و مهیج سمفونی را به پایان برساند.

ویلن کنسرتوی شماره ۳ در سل مازور

ویلن کنسرتوی شماره ۳ در سل مازور، کا ۲۱۶ موتزارت سومین از پنج ویلن کنسرتوی خود را به سال ۱۷۷۵ در سالزبورگ تصنیف کرد. ارکستراسیون این اثر به مانند سمفونی چهل، شامل زهی‌ها (ویلن‌های اول و دوم، ویولاها، ویلنسل‌ها و کنترباس‌ها) دو هورن و بادی‌های چوبی است؛ با این تفاوت که در این کنسرتو دو باسون و دو کلارینت نیستند و در موومان دوم دو ابوا خاموش‌اند و دو فلوت (یکی اضافه بر تک‌فلوت سمفونی) تنها در این موومان نواخته می‌شوند و البته یک ویلن سولو به عنوان تکنواز کنسرتو در سراسر آن حضور فعال دارد. موومان اول کنسرتو در سل مازور تونیک و با تمپوی «الگرو» فرم سونات کنسرتوی کلاسیک دارد؛ بدین گونه که ابتدا تم اول روشن و بانشاط با نقش اصلی و قوی زهی‌ها و بعد تم دوم طنز با آغاز ملایم بادی‌ها و ویلن‌های ارکستر ارایه می‌شود و سپس اکسپوزیشن یا ارایه دوم با ویلن سولو که تم‌ها را بسط می‌دهد صورت می‌گیرد. در بخش‌های بسط و گسترش تم‌ها و بازگشت یا ارایه مجدد آنها، ویولن سولو

نقشی فعال دارد؛ چنانکه به ارکستر کمتر مجال حضوری تمام می‌دهد. در آخر ری‌اکسپوزیشن، کادانسی ناقص راه می‌برد به بخش «کادنتسا» که به بداهه‌وارنوازی ویلن سولو بر روی تم‌ها اختصاص دارد که این هم سرانجام راه می‌برد به کودای پایان‌بخش موومان با تمامی ارکستر. موومان دوم «آداجیو» بی‌است درِ مازور که فرم «تِرِزِری» یا سه‌بخشی دارد. در بخش نخست، تمی تغزلی با ملایمتی که بر سراسر موومان غالب است، ویلن سولو را در مکالمه با زهی‌ها و بادی‌های ارکستر قرار می‌دهد؛ بر پس‌زمینه‌ای از فیگور ریتمیکی تپنده و همچنان ملایم که با بخش‌های مختلف ارکستر نواخته می‌شود. بخش میانی بسط و دگرگونه‌ای از این تم است که در بخش پایانی تم به حالت و تونالیت‌های نخست بازمی‌گردد درحالی که گاه ویلن سولو در مکالمه با ایده‌ی رقص‌گونه‌ای با بادی‌ها قرار می‌گیرد. این بخش به کادانسی ناقص می‌رسد که راه می‌برد به کادنتسای ویلن سولو و سپس به کودای ملایم ارکستر.

موومان سوم فرم «روندو» با تمپوی الگرو دارد. در ابتدا تم پر نشاط و منقطع روندو در سل مازور با ارکستر ارایه می‌شود. سپس ویلن سولو آن را باز می‌خواند و بسط می‌دهد. واریاسیون‌هایی از این تم روندو با تناوبی از نقش قالب ویلن و ارکستر دو بار دیگر ارایه می‌شود و در فواصل بین آنها، نخست بخشی برگرفته از این تم و سپس بخشی شامل دو ایده‌ی ملودیک بازیگوشانه‌ای دلنشین که اولی با «پیتزیکاتو» ای ریتمیک زهی‌ها همراه است، قرار می‌گیرند. در آخر ارایه‌ی سوم تم روندو، کادانسی ناقص زمینه را برای کادنتسای ویلن سولو آماده می‌کند؛ که این نیز راه می‌برد به کودای پایانی ارکستر که به نوای ملایم هورن‌ها فرودی دلنشین می‌یابد.